خبرها

هنر به هیچ دردی نمی‌خورد

ایسنا: گردهمایی معلمان هنر یزد به همت انجمن هنرمندان سازمان آموزش و پرورش استان یزد با حضور آیدین آغداشلو برگزار شد.

در این مراسم آیدین آغداشلو با اشاره به جایگاه و امکان گسترده‌ای که هنر در بحث شناختن آدمی دارد که به‌عقیده او متاسفانه از نظر دور مانده است، عنوان کرد: هنر جزء جدایی‌ناپذیر زندگی انسان‌هاست که خودآگاه یا ناخودآگاه به آن رجوع می‌کنیم؛ هنر از شدت حضور خود کمتر به دید می‌آید و قابل فشرده شدن نیست.

او گفت: ما نیازمند داوری در هنریم؛ داوری بخشی از هنر است، به‌خاطر همین است که هنر می‌ماند و انتشار می‌یابد. در تاریخ، هنر سنتی داریم و هنر مدرن. در هنر سنتی امضای طراح اهمیتی ندارد و وجدان جمعی این ستایش را برعهده دارد؛ چنانچه در فرش فروشی دوران کهن نمی‌بینید که امضای طراح فرش وجود داشته باشد، هرچند این نشانه‌ای از فروتنی هنرمند بود؛ ولی در هنر مدرن امضا اهمیت دارد و کارمزدی‌تر شده و سپس به داوری گروه گذاشته می‌شود.

این منتقد و کارشناس هنری جایگاه هنر را آنقدر بدیهی و مشخص تلقی کرد که به گمان او نیاز به توضیح ندارد و افزود: مهم‌ترین بخش به‌عهده هنرمند رمزگشایی طبیعت است.

به اعتقاد این مدرس دانشگاه ادیان بزرگ همواره با هنر همراه بوده‌اند؛ وی سپس به اهمیت ویژه خوشنویسی در اسلام و موسیقی در مسیحیت اشاره کرد.

او تصریح کرد: هنر در ایران مفید و کاربردی بوده و چیزی نبوده که در تاقچه اتاق یا ویترین مغازه‌ها قرار گیرد، یکی از بارزترین آنها فرش و جامه‌های یزدی است. شما ببینید زیباترین هنر بافندگی ایران در پست‌ترین جا استفاده می‌شود که همان فرش است.

آغداشلو گفت: معلم هنر باید اهمیت کار خود را به خوبی بداند، می‌دانم معلمان هنر باید مرتب توضیح دهند، هنر به چه دردی می‌خورد و حتی چیست؛ من در پاسخ می‌گویم: شعر به چه دردی می‌خورد؟ هنر به هیچ دردی نمی‌خورد و حسن آن نیز همین است. آیا ما می‌توانیم بدون شعر زندگی کنیم، بدون شعر یا هنر چگونه می‌خواهیم بگوییم که ما زاده کدام فرهنگ و تمدن هستیم؟! یک زبان با شعر گسترش می‌یابد نه فرهنگستان ادب. شما دقت کنید حافظ به تنهایی بیش از ۴۰ ترکیب وارد ادبیات ایران کرده که پیش از او نبوده است.

او در پایان عنوان کرد: نباید وقت هنرجو تلف شود و ضروری است آنچه را می‌دانیم به او آموزش دهیم. تاثیر هنر در سایر دروس چندان مستقیم نیست، ولی تاثیرگذار است.

در مراسم یادشده جمیله مدرسی معاون پژوهشی، برنامه‌ریزی و نیروی انسانی سازمان آموزش و پرورش و همچنین کاظم صادقیان نماینده انجمن به ارائه سخنرانی و گزارش پرداختند.

در پایان این همایش نیز از معلمان برتر هنر تقدیر شد.

عکس ایران در آمریکا

ایسنا: بهمن جلالی، شادی قدیریان، آرمان استپانیان، مهران مهاجر، ملکه نایینی، سودابه شریفی و همیلا وکیلی ۵۰ عکس هنری و خلاقه با هویت ایرانی را برای نمایش به آمریکا فرستادند.

گالری راه ابریشم که صرفاً برپاکننده نمایشگاه عکس است، آثار این هنرمندان عکاس ایرانی را به گالری «دسانتون» در شهر «یوستون» ایالت تگزاس آمریکا فرستاده است.

گویا نقطه مشترک این عکاس‌ها برای برپایی نمایشگاهی در خارج از ایران، همان ایرانی بودنشان است. این هنرمندان هرکدام به‌نوعی عناصر و موادی را به عکس‌هایشان اضافه کرده‌اند.

عکس‌های قاجار جلالی، زن‌های ایرانی قدیریان، بسته‌های مهاجر، گورستان‌های نوستالژیک استپانیان، عروسک‌های باربی وکیلی و مینیاتورهای تلفیق‌شده با پرسوناژهای روز ایرانی شریفی در این نمایشگاه از ۱۶ اردیبهشت ماه عرضه شده‌اند. این نخستین نمایشگاه خارجی سال جاری گالری راه ابریشم در یک کشور خارجی به‌شمار می‌رود. گالری یادشده سال گذشته با شرکت در حدود ۱۰ بازار جهانی، نمایشگاه بین‌المللی و گالری عکس در نقاط مختلف دنیا ازجمله انگلستان، اسپانیا، آمریکا و فرانسه یکی از نگارخانه‌های پرکار تهران محسوب می‌شد؛ اما اکنون مدیر این گالری می‌گوید که در سال جدید نه دعوتی داشته‌اند، نه هیچ‌یک از پیشنهادهایشان مبنی بر برپایی نمایشگاه، پاسخ مثبت در پی داشته است.

آناهیتا قباییان به خبرنگار ایسنا گفت که دلیل این امر را نمی‌داند؛ اما گمان می‌کند مسائل روز عرصه بین‌الملل در این جریان بی‌تاثیر نبوده است.

بنابر این گزارش روز سه‌شنبه این گالری میزبان عکس‌های رنگی و مستند عشایری حسن غفارزاده، با عنوان «عشایر ایران، معیشت چند هزارساله» خواهد بود. این نمایشگاه ۱۰ روز برپا می‌ماند.

تصحیح و پوزش

در گزارش روز چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ماه صفحه هنرهای تجسمی با عنوان «از نوک درخت‌ها رنگ می‌ریزد» در مورد فعالیت‌های سازمان زیباسازی به اشتباه آمده است: «قرارداد فعلی تا پایان سال ۸۶ است» که به نیمه سال ۸۶ اصلاح می‌شود. همچنین در مورد تمدید این قرارداد آمده است «باز هم برای مدت سه سال تمدید خواهد شد» که به تمدید یک ساله تصحیح می‌شود.

گزارشی از نمایشگاه شهر مصور اصفهان

تصویر شهر گنبدهای فیروزه‌گون

فرناز شهیدثالث

«در اصفهان دیدگانمان بر منظره جادویی گنبدهای فیروزه‌گون که گویی در حالت تصعیدند، گشوده می‌شود.»

تصویری که «داریوش شایگان» از معماری اصفهان نقش می‌کند، بیش از اینکه توصیف بناهای موجود در شهر باشد، گویی ادای احترامی است به معماران تاریخ این شهر که سال‌ها پیش نشانی خود را چنان محکم و پرشور بر جای گذاشته‌اند که کسی نتواند بی‌اعتنا از کنار آن بگذرد. همین نام و آوازه است که از سال‌ها پیش مسافران بسیاری را به اصفهان برده است. زائرانی که از شهرها و کشورهای دور و نزدیک که هر کدام به شیوه‌ای احساسشان را بروز داده‌اند. آنها که دستی به قلم یا ذوقی در تصویر کردن صحنه‌ها داشته‌اند، آنچه را که دیده‌اند روی کاغذ آورده‌اند و سندی برای آیندگانشان که اکنون ما هستیم به میراث گذاشته‌اند. از «ناصرخسرو قبادیانی» گرفته تا «ژان شاردن» فرانسوی و «پیترو دلاواله» ایتالیایی. حضور این جهانگردان و پژوهشگران بوده که اطلاعات امروزمان در مورد گذشته اصفهان بیش از هر شهر دیگری از این سرزمین است و نوشته‌ها و به خصوص تصویرهای مانده از همین افراد است که نشان می‌دهد شهر امروز تا چه اندازه به آنچه پیشتر بوده شبیه است و یا تغییر چهره داده.

اما در همین شهر پرتصویر و عکس و سفرنامه هم هنوز بسیاری از شهروندان و حتی مسئولان امور شهری و معماران، پیشینه شهر را به خوبی نمی‌شناسند.

همین مسئله است که لزوم انجام کارهای تحقیقاتی را پررنگ می‌کند و جبران فقر آگاهی عمومی شهروندان را فعالیتی نه‌تنها پسندیده، بلکه ضروری نشان می‌دهد.

■ اصل داستان

برای انجام هر کاری اولین قدم و مهم‌ترین انگیزه «احساس نیاز» به حرکت کردن در مسیر آن هدف است. در اصفهان شاید شناختن هویت شهر زودتر و جدی‌تر از بسیاری مناطق دیگر به شکل «مسئله» درآمد. بدون تردید آدم‌ها برای حل مسئله‌شان آنقدر به در و دیوار می‌زنند تا راه خود را پیدا کنند. مسئله هویت تاریخی اصفهان هم که در ذهن افرادی با مسئولیت‌ها، نگاه‌ها و جایگاه‌های متفاوت شکل گرفته بود آنقدر بالا و پایین شد تا توانست راهی برای عملی شدن پیدا کند.

دو نفر از دانشجویان رشته معماری دانشگاه پردیس اصفهان عنوان پایان‌نامه فوق‌لیسانس خود را «طراحی در مجاورت باغ زره‌سازان اصفهان» انتخاب کردند. «علی سلطانی» و «عاطفه کرباسی» برای پروژه خود از راهنمایی دکتر «باقر آیت‌الله شیرازی» که حدود سی سال پیش یعنی در سال ۱۳۵۴ برای اولین بار در مورد اسناد و مدارک باقی‌مانده از شهر اصفهان تحقیق مفصلی انجام داده است استفاده کرده‌اند. «کرباسی» که حالا در مقطع دکترا تحصیل می‌کند در مورد مراحل تکمیل تحقیقاتشان در مورد «باغ زره‌سازان» می‌گوید: «به دلیل اهمیتی که مکان و گذشته مکان در طراحی معماری که امروز انجام می‌دهیم دارد، یک فصل کامل پایان‌نامه‌مان را به بررسی گذشته شهر اصفهان و به‌خصوص باغ زره‌سازان و نقش جهان که در مجاورت هم قرار دارند اختصاص دادیم.» در این بررسی روی اسناد تصویری که از شهر اصفهان باقی مانده است تاکید زیادی شده: «عکس‌هایی که در دسترس هستند و همچنین طراحی‌ها وگراورهایی که از سال پیش از اختراع دوربین عکاسی به جای مانده‌اند و بیشتر آنها را هم سیاحان خارجی کشیده‌اند.»

در کنار فعالیت‌های دانشجویی «سلطانی» و «کرباسی» معمار دیگری هم از دغدغه سه‌ساله ذهنی‌اش در مورد معرفی شهر تاریخی اصفهان حرف می‌زند. «وحید قاسمی» به عنوان مشاور مدیرعامل بخش طراحی و توسعه فضاهای فرهنگی و تفریحی شهرداری اصفهان و برای عملی کردن پروژه ذهنی‌اش در روزهای پایانی سال ۸۴ طرحی مطرح می‌کند که بالاخره در بیست و دوم فروردین ماه امسال تصویب می‌شود. بهانه‌های خوبی مثل انتخاب شدن اصفهان به عنوان دومین پایتخت جهان اسلام در سال ۲۰۰۶ از طرف سران کشورهای اسلامی و یا نزدیک شدن به هفته‌ای که مسئولان شهر آن را هفته اصفهان نامیده‌اند، باعث شد گروه کوچک «قاسمی» به همراه طراحان «طراحی در مجاورت باغ زره‌سازان» در کنار هم قرار بگیرند و نمایشگاه «شهر مصور» را در باغ زیبای زره‌سازان برپا کنند. قاسمی توضیح می‌دهد که گروه‌های پژوهش و تحقیق، طراحی و گرافیک و اجرایی از روز بیست و دوم فروردین ماه بسیج شدند تا در مدت پانزده شبانه‌روز باغ را به موزه تکوین اصفهان براساس اسناد مصور تبدیل کنند.

تعداد بیست و دو سند تصویری همراه با توضیحاتی که جهانگردان در کنار آنها ثبت کرده‌اند روی شیت‌های چوبی قرار گرفتند و به مدت بیست روز از ساعت ۱۲ ظهر تا ۱۲ شب به نمایش درآمدند. این شیت‌ها به ترتیب تاریخ ترسیم شدن چیده شدند تا تصویری هم از روند تاریخی تغییرات شهر به بازدیدکنندگان بدهند.

■ جهانگردان روی چوب

تصویرها با قدیمی‌ترین نقشه شهر آغاز می‌شود که از سال‌های پایانی سلسله ساسانیان رسم شده است و تخمین زده‌اند که به سال ۷۲۲ میلادی یعنی ابتدای ورود اسلام به ایران مربوط باشد. این نقشه که با دو رنگ سبز و نارنجی ترسیم شده و اصفهان را محوطه‌ای شبیه سر دلفین نشان می‌دهد، تا قرن هشتم تغییر چندانی نمی‌کند. در پایان قرن هشتم است که تغییر و تحول در شهر به چشم می‌آید. دومین نقشه نمایشگاه از قرن هفدهم است و در واقع تنها نقشه‌ای است که در آن باروی شهر اصفهان به خوبی نمایش داده می‌شود. بعد از این دو نقشه راه ورود جهانگردان خارجی باز می‌شود. پیش از همه «آدام اولئاریوس» آلمانی است که در سال ۱۶۳۷ میلادی به اصفهان آمده و حدود یک سال و نیم در دربار صفوی بوده و حالا تصویرهایی از میدان نقش‌جهان و مناطق دیگر شهر به جا گذاشته و شرح و تفسیرهایی هم از خانه‌های اعیانی اصفهان نوشته است. «تاورنیه» سیاح فرانسوی که او را یکی از نامی‌ترین جهانگردان سده هفده در دوره صفوی می‌دانند نیز تصاویری از آن روزها دارد. اما یکی از جهانگردانی که گویا با دقت تمام به مشاهده اصفهان پرداخته «انگلبرت کمپفر» است که در ۲۹ مارس ۱۶۸۴ وارد شهر شده و پلان‌ها و طراحی‌ها و گراورهای ارزشمندی از کاخ پادشاهان صفوی و به طور کلی از شهر اصفهان رسم کرده است. کمپفر طرح باغ هزار جریب و تخت سلیمان را کشیده و در مورد آن نوشته است: «اگرچه این باغ را نمی‌توان با باغ‌های سمیرامیس یا هیربدها (در یونان) مقایسه کرد، باز می‌توان گفت که از نظر زیبایی بر باغ‌های تمام پادشاهان مشرق‌زمین برتری دارد.»

پل‌های روی رودخانه زاینده‌رود از جمله پل الله‌وردی‌خان و پل مارنان و همچنین کاخ‌های پادشاهان صفوی و میدان نقش‌جهان مکانی‌هایی هستند که بیشتر سیاحان با اعجاب از آنها یاد کرده‌اند.

جهانگردانی که هر کدام با نگاه یا هدف خاصی به شهر آمده‌اند. برای مثال «سانسون» فرانسوی که در سال ۱۶۸۳ در زمان سلطنت لویی چهارم و برای تبلیغات دینی به دربار شاه سلطان حسین صفوی وارد می‌شود.

«پیترو دلاواله» به مقایسه اصفهان با قسطنطنیه می‌پردازد و «چریکوف» که در سال ۱۸۵۰ به قصد تهیه نقشه و با موافقت دولت ایران به شهر می‌آید و نقشه‌ای از اصفهان رسم می‌کند که گویا شهر را از بالا دیده است.

در زمان که پیش می‌آییم به «ارنست هولستر» می‌رسیم که در سال ۱۸۶۳ به اصفهان آمده و برای اولین بار در این شهر عکاسی کرده است. عکس‌هایی از چهارباغ کهنه و نقاره‌خانه و سردر بازار قیصریه گرفته که تغییرات امروز این بناها را به خوبی مشخص می‌کند. همچنین عکس‌هایی از عمارت نمکدان، کاخ هفت‌دست و قلعه تبرک که همگی از بین رفته‌اند و امروز بسیاری از ساکنان شهر حتی نمی‌دانند جای این عمارت‌ها کجای نقشه بوده. نمایشگاه عکس هولستر ماه گذشته در موزه هنرهای معاصر اصفهان برپا بوده. آخرین طرح‌ها و تصویرها از «مادام دیولوفوآ» فرانسوی و «چارلز ریچاردز» انگلیسی هستند. «مادام دیولوفوآ» در سال ۱۸۸۱ همراه همسرش «مارسل دیولوفوآ» به اصفهان می‌رسد و فصلی از کتاب خود را به شرح فضای شهر و نقاشی بناهای مهم آن اختصاص می‌دهد. «چارلز ریچاردز» عضو انجمن سلطنتی نقاشان و حکاکان انگلستان بوده و در سال ۱۹۰۰ به ایران می‌آید. او با نقاشی‌ها و سفرنامه‌هایش اصفهان را با سایر شهرهای قدیمی مقایسه کرده است.

بعد از دیدن این تصویرها در مقابل صفحه‌ای قرار می‌گیریم که نام‌های بسیاری را که در طول تاریخ به اصفهان گفته‌اند و دلایل «اصفهان» بودن شهر روی آن نوشته شده است. بعد هم برای خروج به تونلی هدایت می‌شوید که تاریک است و قرار است صدای حکیم ناصرخسرو را بشنوید که بخش اصفهانی سفرنامه‌اش را حکایت می‌کند. در انتهای این تونل برزنتی پنجره کوچکی است که به نمای پشتی گنبد مسجد امام باز می‌شود و برای خروج باید به این «گنبد فیروزه‌گون» تعظیم کنید تا از دری که ارتفاعش کم است بیرون بروید.

■ آنچه باید بشود

همه ماجرا به این نمایشگاه بیست روزه که مراسم اختتامیه آن در روز بیست و نهم اردیبهشت ماه با حضور جمعی از استادان معماری، دانشجویان و نمایندگان شورای شهر انجام شد، ختم نمی‌شود. برگزارکنندگان این نمایشگاه برنامه‌های بزرگتری در سر دارند و به این نمایشگاه تنها به عنوان قدم اول نگاه می‌کنند. قدمی که «قاسمی» آن را فراهم کردن فضای معرفی شهر می‌داند که هدف آن ارائه مونوگرافی از شهر بوده است، نه تحلیل و نقد ماجرای آن: «مجموعه مونوگرافی، اصلی‌ترین کاری است که در معرفی یک شهر تاریخی اتفاق می‌افتد.» سال ۱۳۵۴ هم چنین اقدامی صورت گرفته بود. دکتر آیت‌الله شیرازی مجموعه‌ای از اسناد شهر اصفهان را در قالب کتابی به نام City of light (شهر نور) گردآوری کرد. قاسمی می‌گوید: «مجموعه آن کارها در اتاقی در کنار عالی‌قاپو به نمایش درآمد و یک اتاق معرفی شکل گرفت که بعد از مدتی تعطیل شد و جز به روی مقامات یا شخصیت‌هایی خاص باز نشد.» اما در مورد شهری چون اصفهان قصه به اینجا محدود نمی‌شود: «در چنین شهرهایی مسئله توریست وجود دارد. چیزی که به یک توریست می‌دهیم آغشته به تفسیرهای غیرواقعی است که منشاء افسانه‌ای دارند.» به عقیده او برای جلوگیری از این افسانه بافی به یک فضای معرفی نیازمندیم که در آن بتوان اطلاعات مورد نظر را به راحتی و به درستی در اختیار علاقه‌مندان قرار داد و شهر مصور: «آغاز فعالیت یک مرکز پژوهشی در مورد شهر تاریخی اصفهان است و خروجی آن، خروجی ملموسی است در جهت معرفی شهر، آن هم با مخاطب‌شناسی دقیق.» مخاطب‌شناسی شهر مصور به این شکل خواهد بود که در درجه اول ساکنان بومی اصفهان بتوانند درک درستی از شهر خود داشته باشند. به این ترتیب کارهای انجام شده می‌تواند بر مسئله شهروند و فرهنگ شهروندی تاثیرگذار باشد. گذشته از این گردشگر ایرانی یا خارجی می‌تواند درک بهتری از این شهر داشته باشد. «قاسمی» که خودش هم متولد اصفهان نیست، در مورد نگاه گردشگران به این شهر چنین می‌بیند که: «ماجرای گردشگری به میدان نقش جهان خلاصه شده. در صورتی که اصفهان مجموعه‌ای است از محلات مختلف با پتانسیل بالا.»

برای راه انداختن یک اتاق معرفی، آن هم در مورد شهری که از سوی سران کشورهای اسلامی، بعد از شهر مکه، به عنوان دومین پایتخت فرهنگی جهان اسلام معرفی شده است، پانزده روز زمان مناسبی به نظر نمی‌رسد. شاید به همین دلیل است که در نمایشگاه «شهر مصور» رنگی از شتاب‌زدگی دیده می‌شود و در مواردی هم جای «ای کاش»هایی را برای بازدیدکنندگان باز می‌گذارد که مثلاً «ای کاش راهنمایی در طول مسیر بود و می‌توانست در مورد این سیاحان، سفرنامه‌هایشان یا مکان‌هایی که امروز دیگر در شهر دیده نمی‌شوند توضیح دهد.» نظر وحید قاسمی در مورد فرصت محدود برپایی نمایشگاه کاملاً متفاوت است. اگرچه او هم موافق است که در فرصت بیشتری باید روی طرح‌های تکمیلی اتاق معرفی کار کرد، اما فکر می‌کند برگزاری نمایشگاه به موقع بوده. شاید به این دلیل که: «ماجرای اجرای چنین طرحی در ذهن من قدمتی سه ساله دارد.» او سه سال پیش روی طرح معرفی بازار کرمان کار می‌کرده که البته بنا به دلایلی در نیمه راه رها شده است اما: «قصه در ذهن من ادامه داشت. زمانی که وارد اصفهان شدم، اولین طرحی که به عنوان مشاور آقای قاسم‌زاده ـ مدیرعامل بخش طراحی و توسعه فضاهای فرهنگی و تفریحی شهرداری ـ ارائه دادم همین بود که اصفهان نیاز به یک مرکز معرفی دارد.» او دلیل دیگری هم دارد: «به نظر می‌رسد در کشور ما تمام مسائل فرهنگی در کمپوت اتفاق می‌افتد. یعنی در یک فشردگی زمانی. مجبور هستیم در یک زمان کوتاه کاری را که می‌خواهیم، انجام بدهیم. در غیر این صورت، اگر مشمول زمان شود احتمال دارد به طور کلی کار مورد نظر انجام نشود.» همه اینها را که کنار هم می‌گذارد، نتیجه می‌گیرد که قدم اول به موقع برداشته شده است. در عین حال تاکید می‌کند که: «این، همه ماجرا نیست. قصه بسیار بسیار عمیق‌تر و مفصل‌تر از اینها است.» در همین نمایشگاه هم اگر فرصت بود: «باید با وضع موجود سفرنامه‌ها هم روبه‌رو می‌شدیم. باید می‌دیدیم که سیاحان روی وضع موجود شهر چه حرکتی انجام داده‌اند. این نقاط باید روی وضعیت موجود لکه‌گذاری می‌شد تا به مردم نشان دهیم که الان کجا هستیم. اگر می‌گوییم «عمارت نمکدان»، ببینیم امروز کجای شهر قرار دارد و چه اتفاقی برایش افتاده است.» با یادآوری حضور آگاهانه بازدیدکنندگان وضعیت برنامه‌های آینده را امیدوارکننده ارزیابی می‌کند. در مورد استقبال مردم از نمایشگاه شهر مصور می‌گوید: «بیشتر بازدیدکنندگان، خانواده‌ها بودند که در باغ قدم می‌زدند، تفریح می‌کردند، توت می‌خوردند و در کنار آن با دقت سفرنامه‌ها را می‌خواندند و در مورد آنها صحبت می‌کردند.» و البته وقتی کاری شروع می‌شود، در طول مسیر شکل و شمایل اصلی خود را پیدا می‌کند و مشکلات مختلف در دل کار برطرف می‌شوند. به هرحال برنامه‌ریزی برای آینده حرکتی که در اولین گام خود طبق آمار، حدود هفت هزار بازدیدکننده داشته، کاری هم سهل است و هم سخت. در این اتاق باید نتیجه پژوهش‌ها به شکلی قابل فهم برای مردم ارائه شود تا مخاطب آن به مهندسان معماری و شهرسازی محدود نشود.

■ دست به مهره بازی است

طراح و مدیر پروژه شهر مصور از برنامه‌های آینده گروه خبر می‌دهد. قاسمی عقیده دارد ما در مقابل آثار معماری خودمان باید از دو حالت پرهیز کنیم، یعنی: «نه حیرت زده باشیم و نه حسرت‌آلود به آنها نگاه کنیم. درست این است که نگاهی آموزشی داشته باشیم.» به همین دلیل هم یکی از برنامه‌های آینده گروه این است که با برگزاری نشست‌های مختلف، نگاه علمی به معماری را گسترش دهد. برنامه دیگر اینکه: «امسال همزمان با صدمین سالگرد انقلاب مشروطه در کنار موزه هنرهای معاصر و مرکز اسناد، ما هم روی معماری این سال‌ها کار کنیم و در حال حاضر روی طرح مطالعاتی آن کار می‌کنیم.» اما کار فهم‌تری که در ادامه همین نمایشگاه شهر مصور انجام خواهد شد تکمیل طرح‌ها و گراورها و تعیین مسیر سیاحان روی نقشه فعلی و تحلیل آن است و قاسمی احتمال می‌دهد با انجام این کار به تعاریف جدیدی نسبت به شهر و داستان آن دست پیدا کند. یافته‌هایی که شاید به شکلی به هویت شهری که کم‌کم به مسئله ذهنی بسیاری از ما تبدیل می‌شود مربوط شود. قاسمی می‌گوید: «ما هنوز هویت خودمان را نمی‌شناسیم. ابتدا باید به معرفت و شناختی دست پیدا کنیم که با مشاهده گذشته‌مان ممکن می‌شود. حالا کجا می‌شود این گذشته را دید؟ در جایی مثل شهر مصور. اما هدف این نیست که شهرسازی امروز را مثل گذشته کنیم بلکه می‌خواهیم این گذشته را با زبان روز نشان بدهیم.» نشان دادن این گذشته به زبان روز، لزوم شناخت شهروند امروز، با همه آشفتگی‌ها و مسئله‌هایش را هم به میان می‌کشد. نمایشگاه شهر مصور: «قصد دارد به ما شهروندان یادآوری کند که کجا زندگی می‌کنیم.» مثل موزه‌ای که می‌خواهد به مردم نوعی درک تاریخی و شهرسازی آمیخته با حضور انسانی بدهد. همان هدفی که او در حمام علی‌قلی‌آقا که امروز به موزه مردم‌شناسی تبدیل شده نیز در سر داشته است.

اجرای این طرح‌ها البته به سادگی صحبت کردن در مورد آنها نیست. امانت گرفتن اسناد تاریخی کشور و جمع‌آوری آنها از بخش‌های مختلف، هماهنگی با سازمان‌های مختلفی چون شهرداری، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و... را می‌طلبد. قاسمی از همکاری «ادیب» معاونت میراث فرهنگی اصفهان می‌گوید که با پی‌گیری‌های شخصی خود اجازه بیرون آوردن بعضی مدارک و ماکت‌ها را از موزه داده است. اما: «کافی است کمی از اصفهان بیرون برویم و مثلاً سراغ عکس‌های کاخ گلستان را بگیریم. اینجاست که کار بسیار سخت می‌شود.»

با این وجود مراکز دیگری تا حدودی این مشکلات را جبران کرده‌اند. برای مثال مسئولان دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی ایران که همکاری بسیار نزدیکی را در جهت حمایت علمی این حرکت انجام داده‌اند: «از نظر علمی باید به یک مرکز معتبر وصل باشیم تا در کارهایمان غلط نداشته باشیم. در عین حال باید مراقب بود که در سیستم آکادمیک گیر نکنیم. از طرف دیگر باید با دستگاه‌هایی که قدرت اجرایی و مالی دارند هماهنگ شد تا در میانه راه بازنمانیم.» برای رسیدن به این هدف، قاسمی و گروهش یک پلان مدیریتی نوشته‌اند که عمل کردن در چارچوب آن مسیر کسانی را هم که در سال‌های آینده مسئولیت کار را به‌عهده بگیرند هموار خواهد کرد.

نکته قابل توجه در اقدام این گروه جمع‌آوری این اسناد نیست. همانطور که قاسمی هم معتقد است: «بدون شک تمام کسانی که روحیه پژوهشی داشته‌اند به شکلی این اسناد را به‌دست آورده بودند.» اما: «ما برخلاف همه آنها نخواستیم این مدارک را در کتابخانه شخصی‌مان نگه داریم بلکه با کمی تلاش آنها را برای بازدید علاقه‌مندان آماده کردیم.» کاری که هم در بین متخصصان معماری و هم در بین مردم جای خوبی برای خود پیدا کرد. نمایندگان شورای شهر اصفهان هم در گفته‌های خود از ادامه کار شهر مصور و دائمی شدن اتاق معرفی در باغ زره‌سازان خبر می‌دهند و رای نهایی شورا برای تصویب این طرح به‌زودی اعلام خواهد شد. همه این چراغ‌های روشن، امید آن را می‌دهد که مراسم اختتامیه شهر مصور به ایراد چند سخنرانی و ارائه گزارش کار و تقدیر از شرکت‌کنندگان در مسابقه اسکیس که با هدف دعوت دانشجویان معماری به تامل در فضای شهر انجام شده است محدود نشود و شاهد زنده شدن تاریخ شهر اصفهان باشیم. هرچند کسانی هم هستند که به زنده بودن اصفهان معتقدند. «شایگان» می‌گوید: «من از اصفهان به گونه «شهر» بی‌زمان سخن می‌گویم که هنوز هاله خود را از دست نداده است. شهری که در آن اشیا قوه بازتاباندن تصاویری را که از پرده‌های دیگر به وجود می‌آیند حفظ کرده‌اند.»

گالری گردی

نقشآدم

هلیا قاضی میرسعید

این روزها گالری هما میزبان نمایشگاهی گروهی از هفت نقاش جوان با موضوع نقشآدم است. در این نمایشگاه آثار مهدی احمدی، مرتضی دره‌باغی، محمد رحیمی، فرشید شفیعی، مانی غلامی، فرشید شیوا و شهروز نظری به نمایش گذاشته شده است. محمد رحیمی فوق‌دیپلم نقاشی است و تاکنون در بیش از ۱۸ نمایشگاه گروهی و سه نمایشگاه انفرادی شرکت داشته است. او می‌گوید: «از سال ۱۳۷۸ که وارد دانشگاه شدم نقاشی کردم تا چند ساعت پیش!» راست می‌گوید بر روی دست‌هایش آثار رنگ دیده می‌شود. از رحیمی یک اثر با موضوع دیو به نمایش درآمده که در خلق آن از رنگ روغن آکریلیک جوهر و زغال و... استفاده شده است. او هم مانند بسیاری از نقاشان پیرو سبک خاصی نیست و به سبک شخصی خودش کار می‌کند. او دیو قصه‌های مادربزرگش را به تصویر کشیده دیوی که خیلی هم ترسناک نیست. مانی غلامی از دیگر کسانی است که حاضر به مصاحبه شد. او متولد ۱۳۴۹ و دارای مدرک کارشناسی نقاشی از دانشگاه هنر و کارشناسی ارشد تصویرسازی است. به گفته خودش خیلی اهل برپایی نمایشگاه نیست و تاکنون فقط یک نمایشگاه انفرادی داشته و در دو نمایشگاه گروهی شرکت کرده است. از او سه اثر به نمایش درآمده که هر دو مدادرنگی بر روی مقوا است. موضوع نقاشی‌های غلامی انسان و فیگور است. او از دوستانش عکس می‌گیرد و بعد از روی عکس‌ها نقاشی می‌کند. می‌گوید: «کاراکتر تیپ و لباس آدم‌ها برایم جذاب است. البته با اطرافیانم راحت‌تر هستم چون شناخت بیشتری از آنها دارم و با تغییر آدم‌های اطرافم شخصیت‌های کارهای من هم عوض می‌شوند.» از دیگر نقاشان این نمایشگاه شهروز نظری متولد ۱۳۵۶ و دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته تصویرسازی است. او که خود از همکاران روزنامه شرق است حاضر به مصاحبه نیست. اما بالاخره چند کلمه‌ای

صحبت می‌کند: «در ایران دوره نسل‌های هنری زود تمام می‌شود و به همین دلیل فاصله این نسل‌ها خیلی قابل تشخیص نیست. ویژگی این نمایشگاه این است که تمام نقاشانی که در اینجا حضور دارند به یک نسل تعلق دارند و حتی فارغ‌التحصیل یک دانشگاه هستند. با اینکه کارها شباهتی به هم ندارند اما یکدست هستند و این یکدستی در نتیجه یکدستی ایده‌های آنهاست و...» این نمایشگاه تا ۱۱ خرداد برای بازدید علاقه‌مندان دایر است. در ضمن از همراه آوردن کودکان زیر ۱۰ سال خودداری فرمایید.

■ منتخب آثار هنرمندان

فرهاد آذرین مدیر نگارخانه آتبین است. این نگارخانه ۶ سال است که تاسیس شده و دو فصل کار نکرده است. به همین دلیل آذرین تصمیم می‌گیرد تا نمایشگاهی گروهی از منتخب آثار هنرمندان برپا کند. اولویت انتخاب این هنرمندان از میان کسانی بود که در گذشته با گالری آتبین همکاری کرده بودند. البته آثار منتخب در این نمایشگاه جدید بوده و تا قبل از این به نمایش درنیامده. در این نمایشگاه محمدعلی بنی‌اسدی، کاوه نامغ، فرزانه فرزانه، احمدرضا دالوند، سیما حیاتی، علیرضا اکرمی، مریم میرزایی، افسانه عقیلی، گلناز قدیری، وحید محمدی و سپهر بختیاری شرکت دارند. این آثار به سفارش و دعوت مدیر نگارخانه آتبین صورت گرفته است. آذرین هدف از برگزاری این نمایشگاه را چنین عنوان می‌کند: «مخاطبینی که در طول سال فرصت بازدید از آثار نقاشان مورد علاقه خود را پیدا نکرده‌اند در اینجا این کارها را در کنار هم می‌بینند.» سیما حیاتی تنها نقاشی است که در دومین روز برپایی نمایشگاه در گالری حضور یافته است. او متولد ۱۳۳۳ و دارای مدرک کارشناسی ارشد نقاشی است و این دومین نمایشگاهی است که در آن شرکت کرده است. ابعاد کارهای حیاتی در مقایسه با سایر آثار کوچکتر هستند اما رنگ نقشی اساسی در آثارش ایفا می‌کند. می‌گوید: «دو سال از نقاشی فاصله گرفتم و بعد دوباره شروع به کار کردم که در این ابعاد جواب داد. این نقاشی‌ها نتیجه یک سال اخیر است.» وی از استقبال مخاطبان اظهار رضایت می‌کند. از حیاتی چهار اثر با موضوع طبیعت به نمایش درآمده است. کارهای او میکس‌مدیا هستند و به گفته خودش از هر ابزاری که توانسته استفاده کرده است. او نگاه دقیق‌تری به طبیعت داشته و این ظرافت دیدش در نقاشی‌ها کاملاً مشهود است. در این نمایشگاه ۱۹ اثر به معرض دید گذاشته شده که به لحاظ موضوع خیلی با هم همخوانی ندارند. اما شاید بتوان موضوع نقاشی‌های این نمایشگاه را به‌طور کلی در انسان و طبیعت خلاصه کرد. این نمایشگاه تا تاریخ ۱۰ خرداد برای بازدید عموم برقرار است.